



محیط زیست و تمرکززدایی محلی در ساحت هنجاری اسناد بین المللی

عطیه خاکشورنیا، محمد جلالی^۱

۳۹

دوره ۱۴، شماره ۴، پیاپی ۳۹
زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴-۰۲-۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴-۱۲-۱۴

مصص: ۷۴-۵۹

شابا چاپی: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی صحت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

محیط زیست یکی از ارکان اساسی زندگی بشری به شمار می‌آید. حقوق بشر به عنوان مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، شامل اصول و ارزش‌هایی است که جهانی و متعلق به تمام انسان‌ها بوده و هر فرد به عنوان یک انسان، به طور برابر و بدون هیچ‌گونه تبعیضی از آن برخوردار است. اکنون، یکی از نگرانی‌های اصلی جامعه جهانی، موضوع حفاظت از محیط زیست است. پیشرفت علم و فناوری و در پی آن توسعه صنعتی، اگرچه رفاه و آسایش را برای بشر به ارمغان آورده، اما همچنین موجب آلودگی، آسیب و بروز بحران‌های زیست‌محیطی شده است. محیط زیست به عنوان بستر حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، برای ادامه حیات هر فرد ضروری است. پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته؛ در صدد پاسخ به این سوال است که از منظر حقوق بین الملل حفاظت از محیط زیست در قالب تمرکززدایی محلی و سرزمینی چگونه ارزیابی می‌گردد؟ برای دستیابی به پاسخ این سوال، به بررسی اصول تمرکززدایی و حق بر محیط زیست پرداخته و پس از آن بررسی و شرح مفاهیم اسناد بین‌المللی محیط‌زیستی مورد مطالعه قرار گرفته و با تحلیل این اسناد در ساحت هنجاری و ساختاری این نتیجه حاصل گردیده که برای نهادهای محلی در اسناد بین المللی، تدوین‌کنندگان اسناد بین‌المللی زیست محیطی و اسنادی که مورد بررسی قرار گرفت، در اندیشه‌ی خود نسبت به جوامع محلی بی‌توجه و غافل نبوده‌اند و اگرچه در برخی اسناد، این توجه در خور و مطلوب نباشد، دست‌کم به فراموشی سپرده نشده‌اند.

کلیدواژه‌ها:

مشارکت شهروندان، حقوق محیط زیست، تمرکززدایی محلی، اسناد بین المللی. حقوق بشر اسلامی

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق، الهیات و سیاسی،

واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول) mdjalali@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

حفاظت از محیط زیست به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اساسی جامعه جهانی در سال‌های اخیر، به‌ویژه در قالب «حق بر محیط زیست سالم» مورد توجه و پذیرش بسیاری از کشورها قرار گرفته است. این حق نه‌تنها به‌عنوان یک اصل بنیادین در حقوق بشر شناخته می‌شود، بلکه به‌طور مستقیم با حقوقی همچون «حق حیات»^۱ و «حق بر سلامتی»^۲ ارتباط دارد؛ به نحوی که در قانون اساسی بالغ بر ۱۱۰ کشور، حق بر محیط زیست سالم و یا ضرورت حفاظت از محیط زیست مورد تأکید قرار گرفته است (مشهدی، ۱۳۹۲: ۷۶-۷۷) و بازتاب این موضوع در بیش از هزار سند بین‌المللی مختلف نیز شاهدهی بر این ادعا است (شیلتون و کیس، ۱۳۸۹: ۶۲). موضوع حفاظت از محیط زیست به‌عنوان یک اصل مهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به وضوح در اصل ۵۰ این قانون بیان شده است. این اصل به تصویب اعضای خبرگان قانون اساسی رسیده و تأکید می‌کند که حفاظت از محیط زیست، وظیفه‌ای عمومی است که نسل‌های کنونی و آینده باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند. یکی از رویکردهای نوین حقوق محیط‌زیست، حفاظت فراگیر و مشارکتی از محیط زیست است. تصویب قوانین و مقررات متعدد محیط‌زیستی نیز در دهه‌های اخیر کمک کرده است تا این هنجار بتواند به‌عنوان اصل عمومی بودن حفاظت محیط زیست به تدریج در نظام‌های حقوقی تثبیت شود. بر اساس این اصل حفاظت محیط زیست باید به‌طور یکپارچه و فراگیر با مشارکت همه نهادهای مرتبط انجام شود (فریادی ۱۳۹۵، ۲۰۷). در این نگاه، حفظ محیط زیست بدون مشارکت همگانی مردم امکان‌پذیر نیست و اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی نیازمند فعالیت جوامع محلی است. به همین سبب، مشارکت همه‌ی شهروندان بنیادی‌ترین مسأله در حل مسائل زیست‌محیطی است (بلیک و جم ۱۳۸۸، ۱۲). تمرکززدایی محلی در حوزه محیط زیست یکی از جایگزین‌های مناسب برای رویکرد دستور و کنترل و مدیریت تمرکزگرا به‌شمار می‌آید. در دهه‌های اخیر، شماری از دولت‌ها همکاری در حفاظت محیط زیست را به‌عنوان راهکاری در برابر رویکرد دستور و کنترل و مداخله مستمر و بی‌رقیب دولت در حفاظت محیط‌زیست در اولویت برنامه‌های خود قرار داده‌اند (Harrison 1998,52). رویکرد همکاری در حفاظت محیط زیست، مشارکت همه بخش‌های اجتماعی را برای حفاظت مشترک از محیط زیست فرا می‌خواند چرا که به دلیل متنوع بودن عوامل مؤثر در بروز مشکلات محیط زیستی، اقدام مشترک بخش‌های متعددی برای حل این عوامل لازم است (چالاما و موریس ۱۳۸۳، ۴۶). امروزه گروه‌های مردمی زیادی در کشورهای مختلف جهان به‌طور داوطلبانه برای حفاظت و حمایت از محیط زیست تلاش می‌کنند و در اروپا گروه‌هایی در این زمینه فعالند که به حزب سبز معروفند. در ویرجینای غربی گروه حفاظت از رودخانه که طرفداران پاکیزگی رودخانه‌ها هستند، برای حفظ ۱۳ رودخانه از آلودگی و نگهداری از آن‌ها تلاش می‌کنند. انگیزه این گروه نه تنها جلوگیری از آلودگی است بلکه خواهان فراهم ساختن منطقه‌ای سالم برای اوقات فراغت مردم هستند (لواسانی ۱۳۷۲، ۶۲). رویکرد دیگری در اسناد مورد بررسی مشهود است، این‌که علاوه بر شناسایی جامعه‌ی بومی و محلی به‌عنوان ذی‌نفع و نام‌بردن از این قشر در مواد

¹Right to Healthy Environment

²Right to Life

³Right to Health



مختلف از سند، جایگاه خاصی برای ایشان قائل می‌شود یا این‌که حقوق خاصی را برایشان متصور می‌گردد. گاهی این جایگاه و حقوق خاص صرفاً در قالب معافیت از یک سری تکالیف و قیود است ولی همین معافیت نیز نشان‌گر توجه خاص تدوین‌گران به جامعه‌ی محلی بوده و این توجه می‌تواند در عمل توالی مثبتی را برای جامعه‌ی محلی و محیط زیست به ارمغان بیاورد (سیاح پور ۱۳۹۸، ۱۱۸). براین اساس، مقاله حاضر در پی آن است که با بررسی سازوکارهای قانونی موجود در اسناد بین‌المللی، الزامات لازم برای تضمین حق محیط زیست و رویکرد اسناد بین‌المللی نسبت به مشارکت جوامع محلی را تحلیل کرده و به این پرسش، پاسخ دهد که تمرکززدایی محلی و مشارکت جوامع محلی در سیاق اسناد بین‌المللی چگونه ارزیابی می‌گردد. امید است این پژوهش بتواند گامی در جهت تقویت نظام تمرکززدایی محلی و حفاظت از محیط زیست باشد.

۱. اهمیت گفتمان تمرکززدایی و مشارکت شهروندان در حفاظت از محیط زیست

با توجه به وجود تنوع دیدگاه‌ها در مورد این حق، بسیاری از کارشناسان از ارائه یک تعریف جامع خودداری کرده‌اند یا در این زمینه با دشواری‌هایی روبرو شده‌اند. علاوه بر این، اسناد فراملی و بین‌المللی نیز تعریفی واضح از این حق ارائه نکرده‌اند و تعاریف موجود با برخی چالش‌های نظری مواجه هستند (پارسا، ۱۳۷۷: ۱۳۶-۱۳۲). با این وجود مواد ۱۴ و ۱۵ پیش‌نویس سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی تا حدودی حق بر محیط زیست را تبیین نموده است. این پیش‌نویس در ماده ۱۴ خود تصریح می‌کند که «هر فرد و تمامی انسان‌ها به‌طور جمعی حق دارند از یک محیط زیست سالم و متعادل از نظر زیست‌محیطی بهره‌مند شوند، که برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی مناسب باشد». همچنین، در ماده ۱۵ این پیش‌نویس آمده است که «دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که شرایط طبیعی حیات را به گونه‌ای تغییر ندهند که به سلامت انسان و همزیستی اجتماعی آسیب برساند. آسیب‌هایی که برای توسعه جمعی ضروری هستند و راهی برای اجتناب از آن‌ها وجود ندارد، قابل قبول تلقی می‌شوند». بنابراین، لازم است بررسی شود که مفهوم حق بر محیط زیست چیست و محتوای آن شامل چه ویژگی‌هایی از محیط زیست می‌شود.

توجه به تمرکززدایی و اهمیت آن در میان بسیاری از دولت‌ها رو به فزونی است و از مشخصه‌های یک دولت مردم‌سالار تلقی می‌شود. یکی از اساتید حقوق اساسی در این زمینه نوشته‌اند؛ عدم تمرکز از جمله حقوق اساسی مردم محسوب می‌شود، حقی است که از منظر حقوق اساسی برخاسته از حق حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش است. که اعمال آن با واگذاری اختیار اداره امور به نهادهای محلی نمود پیدا می‌کند و براساس آن جوامع متعدد و مستقل در اندرون یک جامعه بزرگ سیاسی از کشور قرار می‌گیرند (هاشمی ۱۳۷۷، ۵۹۶: ۲).

توجه به ضرورت نظارت بر واحدهای محلی در مفهوم تمرکززدایی از اهمیت فراوانی برخوردار است، چه آن‌که با ارجاع به چنین مفهومی است که می‌توان تا حد زیادی به دغدغه‌ی مخالفان تمرکززدایی که نگران از بین رفتن وحدت و تمامیت ارضی کشور و میل برخی واحدها به گریز از مرکز هستند، پاسخ داد. با برقراری شبکه‌ی صحیحی از نظارت‌های مختلف، متنوع و کارآمد، از سیاسی و پارلمانی گرفته تا اداری و سرانجام قضایی می‌توان این اطمینان خاطر را به ایشان داد که این واحدها صرفاً در زمینه

اعمال اداری محلی و نه ملی، دارای صلاحیت‌های تصمیم‌گیری بوده و در صورت تجاوز از حدود چنین صلاحیت‌ها و اختیاراتی با اعمال چنین نظارت‌هایی مانع از خدشه‌دار شدن اصولی بنیادین و مهم چون برابری و وحدت و تمامیت سرزمینی در یک کشور گردید (جلالی و یآوری ۱۳۹۹، ۶۸).

در ادامه‌ی توضیح این موضوع، باید گفت حق بر محیط‌زیست سالم در جوامع انسانی دارای مفهوم و اهمیت خاصی است. این حق بر اساس مفهوم «منفعت عمومی» شکل می‌گیرد، جایی که افراد به‌طور جمعی از یک محیط‌زیست سالم بهره‌مند می‌شوند. در این راستا، «جمعی بودن» این حق در تضاد با حقوق فردی نسل اول قرار دارد که بر منافع شخصی تأکید دارد (مشهدی، ۱۳۹۲: ۲۸). ارتباط و همبستگی حق دسترسی به محیط‌زیست سالم با حقوق بشر نشان‌دهنده توجه جهانی به مسائل زیست‌محیطی و ورود آن به عرصه بین‌المللی است. امروزه، موضوع محیط‌زیست به عنوان یک حق بشری در سطح جهانی مطرح شده است (Rivera, 2001: 12). حق بر محیط‌زیست سالم با حقوق بشر و حق شهروندی ارتباط نزدیکی دارد. شهروندان به عنوان افرادی که از حقوق بنیادی برخوردارند، جزئی از جامعه سیاسی یا دولت خود محسوب می‌شوند و این موضوع آن‌ها را از بیگانگان متمایز می‌کند (فلاح زاده، ۱۳۸۶: ۵۳). بنابراین، حفاظت از محیط‌زیست بخشی از وظایف دولت‌ها و حق‌های شهروندان است و دولت‌ها باید در تحقق این حق نهایت تلاش خود را انجام دهند (رضایی و رضوانی فر، ۱۳۹۸: ۱۰۲-۱۰۳). لوئیس آویلس در مقاله‌ای تحت عنوان «توسعه پایدار و حقوق حفاظت از محیط زیست در اروپا» اشاره می‌کند که باید اصول و هنجارهای اساسی به صورت معاهدات، قوانین خاص یا سیاست‌های اجرایی برای حفاظت از ارزش‌های توسعه پایدار تدوین شوند (Aviles, 2012: 33). حق بر محیط‌زیست سالم نیز از این قاعده مستثنی نیست. به عنوان نمونه، دادگاه‌های اداری فرانسه در سال‌های اخیر برای همگامی با تحولات اجتماعی، اصول کلی حقوقی برای حمایت از محیط‌زیست را تدوین کرده‌اند که با تصویب منشور اساسی محیط‌زیست و اصلاح قانون اساسی فرانسه در سال ۲۰۰۵ تکمیل شده است (هداوند و مشهدی، ۱۳۹۱: ۲۹۱). در نهایت، علاوه بر تضمین این حق توسط دولت، نیاز به مشارکت فعال شهروندان در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی نیز ضروری است. بنابراین، در ادامه باید به جایگاه شهروندان در حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی، حق آموزش مسائل زیست‌محیطی و حق دادخواهی زیست‌محیطی پرداخته شود.

مشارکت، واژه‌ای با تاریخچه‌ای طولانی در زندگی بشر است که در هر جامعه‌ای به شکل مفاهیمی مانند همبستگی، اتحاد و همکاری گروه‌ها تجلی می‌یابد. به‌طور کلی، مشارکت شهروندی به عنوان یک عنصر کلیدی در توسعه دموکراسی و فرآیند تصمیم‌گیری‌های دموکراتیک شناخته می‌شود (تنکبانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۸۴-۲۵۷). مشارکت شهروندان در حفاظت از محیط‌زیست به دلیل تنوع شخصیت‌ها و دیدگاه‌ها به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود. این مشارکت می‌تواند منجر به اقداماتی مانند کاهش مصرف، بهینه‌سازی منابع، تفکیک زباله‌ها و کنترل آلاینده‌ها در صنایع، منازل و سایر مکان‌ها گردد (محمودی و ویسی، ۱۳۸۴: ۶۴). بنابراین، آگاه‌سازی و آموزش اصول زیست‌محیطی به شهروندان و ترویج فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست در میان



گروه‌های مختلف جامعه، همراه با حساس کردن افکار عمومی نسبت به آسیب‌هایی که انسان به طبیعت وارد می‌کند، یکی از مؤثرترین روش‌ها برای پیشگیری از تخریب محیط‌زیست محسوب می‌شود. تغییر نگرش و سبک زندگی افراد و همچنین رفتار ما با محیط‌زیست می‌تواند به کاهش روند تخریب فزاینده آن کمک کند (ناصری، ۱۳۹۲: ۱۰۶). اصل دهم بیانیه ریو نیز بر اهمیت مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای هنجارهای زیست‌محیطی تأکید دارد. به تعبیر این اصل، بهترین راه بررسی مسائل محیط‌زیست آن است که این امر شامل حال همه شهروندانی شود که در یک سیستم از آن متأثر شوند. در ادامه، باید اشاره کرد که حق بر محیط‌زیست دارای اجزایی است که تشکیل دهنده و قوام‌دهنده‌ی حق مزبور هستند. این اجزا عبارتند از:

۱. حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی

۲. حق بر آموزش مسائل زیست‌محیطی

۳. حق دادخواهی از جمله مجازات و جبران خسارات زیست‌محیطی (افتخار جهرمی، ۱۳۸۲: ۵۱).

اولین ویژگی که در این بخش برای مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی مطرح می‌شود، حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی است. این اصل بیانگر این است که تمامی نهادهای عمومی موظف هستند اطلاعات مربوط به حفاظت از محیط زیست و اقداماتی که بر آن تأثیر دارد را در اختیار شهروندان قرار دهند (گروه صلح کرسی حقوق بشر، ۱۳۸۹: ۲۹۷). دلیل منطقی برای شناسایی این حق این است که دسترسی شهروندان به اطلاعات مربوط به وضعیت محیط زیست، عوامل تخریب و خطرات احتمالی می‌تواند به پیشگیری از مخاطرات و کاهش عواقب حوادث آلودگی کمک کند (مشهدی، ۱۳۹۷: ۲۵۰). به عبارت دیگر، هر فرد باید به طور مستقل از دولت در حفاظت از محیط زیست نقش داشته باشد (ویژه، ۱۳۸۵: ۷۹). با داشتن اطلاعات کافی، افراد می‌توانند برای سلامتی خود بهتر برنامه‌ریزی کنند. بنابراین، ضروری است که اطلاعات مربوط به وضعیت محیط‌زیست و پروژه‌های خطرناک برای عموم قابل دسترسی باشد (ویژه، همان، ۸۰-۷۹). در سطح بین‌المللی، ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر سال ۱۹۴۸ به آزادی تبادل اطلاعات اشاره دارد. همچنین در سال ۱۹۶۰ طرح معاهده‌ای تحت عنوان «آزادی اطلاعات، حق بنیادین انسان» تهیه شد. این موضوع در ماده ۱۰ اعلامیه ریودوژانیرو درباره محیط‌زیست و اسناد مربوط به اصول راهبردی صوفیا بلغارستان و کنوانسیون بین‌المللی در مورد حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی در زمینه محیط‌زیست مصوب ۱۹۸۸ دانمارک نیز تأکید شده است (فیروزی، ۱۳۸۴: ۵۹).

به موجب این حق، دولت موظف است اقداماتی برای ارتقاء فرهنگ دوستی با طبیعت، حفاظت از آن و بهره‌برداری از فناوری‌های پاک انجام دهد. این فرآیند آموزش و فرهنگ‌سازی باید در تمامی سطوح، اعم از رسمی و غیررسمی، صورت گیرد (افتخار جهرمی، ۱۳۸۲: ۵۲). اصل نوزدهم اعلامیه ریو ۱۹۹۲ بر لزوم تلاش برای آموزش در مسائل زیست‌محیطی، به ویژه برای

۱ بیانیه ریو پیرامون محیط‌زیست و توسعه، اصل ۱۰.

۲ به نقل از: امامی قشلاق، محسن و سید محمدهاشمی و محسن مجیبی و ولی رستمی، (۱۳۹۷)، «حق بر محیط زیست سالم در پرتو اصول فقهی و اخلاقی»، پژوهش‌های اخلاقی، سال هشتم، شماره ۳، صص ۱۵۷-۱۴۳.



نسل‌های جوان و بزرگسالان، تأکید دارد. این اقدامات به منظور ایجاد یک پایه آگاهانه از دیدگاه‌ها و رفتارهای مسئولانه در میان افراد، نهادها و جوامع برای حفاظت و بهبود محیط‌زیست از جنبه‌های انسانی آن ضروری است. همچنین، رسانه‌ها باید از ترویج رفتارهای مخرب نسبت به محیط‌زیست خودداری کرده و به جای آن، اطلاعات آموزشی درباره نیاز به حمایت و بهبود محیط‌زیست ارائه دهند تا انسان‌ها بتوانند در هر زمینه‌ای پیشرفت کنند.^۱

حق دادخواهی زیست‌محیطی به‌عنوان یکی از اصول اساسی حقوق محیط زیست شناخته می‌شود. این حق به افراد این امکان را می‌دهد که در صورت تهدید یا نقض حقوق و آزادی‌های بنیادین خود، از مراجع قانونی ذی صلاح درخواست جبران خسارت کنند. مراجع قانونی موظف‌اند به‌طور بی‌طرف و مستقل در یک فرآیند دادرسی عادلانه به ادعای افراد رسیدگی کنند و در صورت اثبات حقانیت، رأی به جبران خسارت صادر نمایند. حق بر محیط زیست سالم برای تحقق عینی خود باید از ضمانت اجرای مؤثر برخوردار باشد و قابل دادخواهی باشد. افراد و سازمان‌های غیردولتی باید بتوانند در موارد نقض حق محیط زیست سالم، شکایت کنند. در زمینه مکانیزم‌های عدالت زیست‌محیطی، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مهمی به‌طور نسبی تهیه و تنظیم شده‌اند. برای مثال، ماده ۲۱ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم بر حق استفاده برابر از ثروت و منابع طبیعی هر کشور تأکید دارد. همچنین، ماده ۲۶ از دولت‌ها می‌خواهد که با تضمین استقلال دادگاه‌ها، نهادهایی را برای کمک به مردم و پیگیری حقوق پامال شده آنان تشکیل دهند. این موضوع در اعلامیه‌های استکهلم و ریو نیز مورد اشاره قرار گرفته است. کنوانسیون آرهوس به‌عنوان جامع‌ترین سند بین‌المللی در زمینه حقوق محیط زیست شناخته می‌شود که در ماده ۹ آن به‌طور دقیق حق دسترسی به مراجع اداری و قضائی را توضیح داده است. نکته کلیدی در استفاده از سازوکارهای قضائی برای تحقق عدالت زیست‌محیطی، موضوع ذینفع بودن و داشتن سمت در طرح دعاوی است. مطابق این قاعده، رسیدگی به دعاوی در دادگاه به این شرط است که خواهان بتواند نفع شخصی خود را به دادگاه اثبات کند و نشان دهد که آسیب مشخص و قابل انتسابی از رفتار خواننده به او وارد شده است (جم، ۱۳۸۷: ۸۷). در بسیاری از دعاوی زیست‌محیطی، یک حادثه می‌تواند به محیط زیست و تعداد زیادی از افراد آسیب بزند. در چنین شرایطی، آسیب‌دیدگان ممکن است به دلایل مختلف نتوانند اقدام به طرح دعوا کنند. این مسئله سوالی را مطرح می‌کند: آیا باید آسیب‌های زیست‌محیطی نادیده گرفته شوند؟ به همین دلیل، یکی از نگرانی‌های عمده جامعه جهانی تعیین دایره اشخاص ذی‌نفع برای اقامه دعوا در خصوص آسیب‌های زیست‌محیطی است (مشهدی و لسانی، ۱۳۹۷: ۱۳۶). بنابراین، دسترسی شهروندان و سازمان‌های فعال در حوزه محیط زیست به مراجع قضائی ناشی از تعهد اجتماعی جمعی برای حفاظت از محیط زیست ضروری است. این سازمان‌ها با داشتن تخصص و به‌عنوان پل ارتباطی میان شهروندان و نهادهای دولتی، می‌توانند در پیگیری‌های قضائی نقش مهمی ایفا کنند (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۵: ۹۸۱-۹۷۸). امروزه، سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان نمایندگان جامعه در پیشبرد مسائل فرهنگی و

۱ بیانیه ریو پیرامون محیط‌زیست و توسعه، اصل ۱۹.

۲ سمت یا JOCUS STANDI عبارت است از حق اقامه دعوا در دادگاه برای بازنگری قضائی یک تصمیم، فعل یا ترک فعل یا ادعای جبران خسارت یا درخواست اجرای قانون.



اجتماعی نقش بسزایی دارند. این سازمان‌ها با تأمین مشارکت عمومی می‌توانند بر سیاست‌های کشور تأثیرگذار باشند. لذا، تمرکززدایی و ایجاد قوانین مشخص برای حضور دولت در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و همچنین تقویت مشارکت عمومی در نظام اجتماعی از جمله شرایط کلیدی برای بهره‌مندی از ایده‌ها و نظرات مردمی محسوب می‌شود (کوشکی، ۱۳۹۲: ۶۶).

۲. جوامع محلی در سیاق اسناد بین‌المللی حقوق محیط زیست

در این قسمت به تحلیل رویکرد اسناد بین‌المللی زیست محیطی به جایگاه جوامع محلی در حفاظت از محیط زیست پرداخته و به صورت جامع رویکرد اسناد را مورد بررسی قرار داده و در هر جا که لازم باشد مصداقی از مواد و محتوای اسناد ذکر خواهد شد. ارتباط زیاد بین عناصر زیست محیطی و تاثیر و اثر مستقیم آن‌ها از یکدیگر باعث می‌شود تا همه بازیگران عرصه ملی و بین‌المللی با یکدیگر همکاری کنند، حقوق بین‌الملل مبتنی بر همکاری است. در یک نگاه کلی به اسناد بین‌المللی زیست محیطی و بررسی جایگاه جوامع محلی، می‌توان اذعان نمود اسنادی چون اعلامیه ریو و دستور کار ۲۱ مصوب سال ۱۹۹۲ در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از اهمیت زیادی برخوردار هستند. این اسناد متضمن عناصری است که با بکارگرفتن آن‌ها موجبات تحقق مردم‌سالاری مشارکتی در حوزه‌ی محیط‌زیست فراهم می‌شود.

۲-۱- اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲

بیانیه‌ی استکهلم یک مقدمه، ۲۶ اصل و یک برنامه اقدام درباره خط مشی‌های زیست محیطی مشتمل بر ۱۰۹ توصیه از جمله پیشنهاد ایجاد «برنامه (اقدام) محیط زیست سازمان ملل متحد (یونپ)» و «صندوق جهانی محیط زیست» است که نقش مهم و اساسی در توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست داشته‌اند (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲، ۲۷). تفکر و اندیشه‌ی حقوق زیست محیطی بشر علاوه بر اسناد حقوق بشری، در حوزه‌ی حقوق محیط زیست از بیانیه‌ی استکهلم آغاز می‌گردد. بیانیه‌ی کنفرانس سازمان ملل درباره‌ی محیط زیست و انسان یا بیانیه استکهلم ۱۹۷۲، نخستین رویکرد اعلامی و جهان شمول در جامعه‌ی بین‌المللی دهه هشتاد است (گروه صلح کرسی حقوق بشر ۱۳۸۹، ۲۷۵). در این قسمت به بررسی این اعلامیه خواهیم پرداخت. اعلامیه‌ی استکهلم نخستین سند بین‌المللی است که خیلی صریح رابطه‌ی بین حق فردی انسان و کیفیت محیط زیست را مورد شناسایی قرار می‌دهد. آنچه در این اعلامیه مشهود است این‌که در این اعلامیه برای نخستین بار ارتباط میان حمایت از محیط زیست و حقوق بشر اعلام گردید. ماده نخست این اعلامیه بیان می‌دارد که «انسان از حقوقی بنیادین نسبت به آزادی^۱، مساوات^۲ و شرایط مناسب زندگی^۳ در محیطی که به او اجازه زندگی همراه با کرامت^۴ و رفاه^۵ را می‌دهد، دارد و مسئولیت حفظ و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و

¹Fundamental Rights

²Freedom

³Equality

⁴Suitable Living Conditions

⁵Dignity

⁶Prosperity



نسل‌های آینده را به عهده دارد.» علاوه بر این، با یادآوری مسئولیت حفظ و بهبود محیط زیست برای نسل‌های حاضر و آینده بر ضرورت پایان سیاست‌های تداوم دهنده آپارتاید، جدایی طلبی نژادی، تبعیض، استعمار و سایر اشکال ظلم صحه گذارده است. این اعلامیه در اصل شانزدهم سخن از نسبت میان حقوق اساسی بشر، جمعیت و تخریب محیط زیست می‌نماید.^۱ به این ترتیب رویکرد این سند به‌طور کلی ناظر بر مسئولیت هر فرد در حمایت و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و نسل‌های آتی است و محیط زیست به عنوان مقدمه ضروری برای رفاه و توسعه بشر مفروض قلمداد شده است. در همین راستا مجمع عمومی ملل متحد با صدور قطعنامه ۴۵/۹۴ مورخ دسامبر ۱۹۹۵ از عنوان لزوم تضمین محیط زیست سالم برای رفاه افراد بر رویکرد بیانیه استکهلم صحه می‌گذارد و در بند اجرایی نخست خود چنین اعلام می‌دارد که تمام افراد بشر از حق زیستن در محیطی مناسب برای سلامتی و رفاه خود برخوردارند (مرادی ۱۳۹۴، ۱۷۶). با توجه به اصل نخست اعلامیه، برخی بر این نظرند که اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم صریحاً به «حق بر محیط زیست سالم» اشاره نموده و آن را مورد شناسایی قرار داده است. «آن‌جا که اصل اولیه اعلامیه اعلام می‌دارد که حق بر محیط زیست یعنی حق داشتن محیط زیستی سالم همچون آزادی و برابری از حقوق بنیادین انسان‌ها تلقی می‌شود» (موسوی ۱۳۸۵، ۲۲). در واقع طبق این اعلامیه «حق بر محیط زیست، یعنی حق داشتن محیط زیستی سالم را همچون آزادی و برابری از حقوق بنیادین انسان‌ها تلقی نموده است» (امیرارجمند ۱۳۷۴، ۳۲۸). همان‌طور که ملاحظه می‌کنیم، این بیانیه اشاره‌ی مستقیمی به جوامع محلی ندارد و همواره از انسان به‌طور کلی سخن گفته است. سبب این امر نیز با توجه نگاه بیانیه قابل درک است؛ انسان به ماهو انسان و صرف‌نظر از ویژگی‌ها و تعلقاتش می‌بایست قادر به بهره‌برداری از محیط زیست و منابع آن باشد.

۲-۲- اعلامیه ریو

اعلامیه ریو^۲ یکی از مهم‌ترین اسناد تصویبی کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص محیط زیست و توسعه^۳ بود. درست ۲۰ سال بعد از کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲، موضوع توسعه پایدار در قالب اعلامیه ریو ۱۹۹۲ صورت‌بندی شد.^۴ در این اعلامیه بر «پیوستگی و تجزیه‌ناپذیری توسعه اقتصادی و حفاظت محیط زیست در چارچوب اصول توسعه پایدار و غیرقابل قبول بودن انفکاک این دو به رسمیت شناخته شد» (حبیبی ۱۳۸۲، ۱۳۳). تدوین کنندگان بیانیه ریو به نوعی در تلاش بوده‌اند با در نظر داشتن نگرانی‌های بخش‌های اقتصادی و توسعه‌ای، بر اهمیت حفظ محیط زیست، توسعه پایدار و پیش‌نیازهای آن تاکید کنند (رمضانی

۱. به موجب این اصل «سیاست‌های مربوط به جمعیت که نسبت به حقوق اساسی بشر بی‌طرف هستند و دول مربوطه آن‌ها را تایید کرده‌اند، باید در مناطقی که نرخ رشد جمعیت و یا تراکم زیاده از حد آن ممکن است اثرات نامناسبی بر محیط زیست یا بر توسعه داشته باشد و یا در مناطقی که تراکم جمعیت کم است و ممکن است کمی جمعیت از توسعه و بهبود محیط زیست انسانی جلوگیری کند به کار گرفته شوند.»

^۲Rio Declaration on Environment and Development, Op.cit.note3.

^۳United Nations Conference on Environment and Development(UNCED).

^۴ توسعه پایدار به صورت ضمنی در اصول ۵ و ۸ اعلامیه استکهلم مورد شناسایی قرار گرفت. اصل ۵ اعلامیه استکهلم مقرر می‌دارد: «از منابع غیر قابل تجدید کره زمین باید به گونه‌ای بهره‌برداری کرد که در معرض تهی شدن قرار نگرفته و همه بشریت در منابع حاصل از بهره‌برداری از آن سهیم باشند.» اصل ۸ اعلامیه اشعار می‌دارد: «توسعه اقتصادی و اجتماعی برای تضمین محیط زیستی مناسب جهت زندگی و محیط کار انسان و ایجاد شرایط ضروری برای بهبود کیفیت زندگی لازم است.»



قوام آبادی ۱۳۹۳، ۱۱۷). در این اعلامیه بیان گردیده است؛ حفاظت از همه حوزه‌های مختلف محیط زیست باید با مشارکت کلیه بخش‌های جامعه صورت پذیرد. چرا که حفظ یکپارچگی و توجه به همه عناصر اکوسیستمی محیط زیست، بدون همکاری همه بخش‌ها و نهادهای ذی‌ربط ممکن نیست. و حفاظت از محیط زیست و موفقیت نظام حفاظتی آن بدون مشارکت همه بخش‌ها محقق نخواهد شد. بر طبق اصل ۱۰ اعلامیه ریو، مسائل مربوط به محیط زیست هنگامی به بهترین نحو حل و فصل می‌شوند که همه شهروندان در سطوح مناسب در آن مشارکت داشته باشند. علاوه بر این، در این میان اصل ۲۲ به‌طور ویژه در خور توجه است؛ این اصل بیان می‌دارد که مردم یک سرزمین و سازمان‌های وابسته به آن و نیز اتحادیه‌ها و تشکیلات و سازمان‌های محلی مردمی نقش بسیار موثری را در خصوص محیط زیست و توسعه که بر اساس تجربیات و سنت‌ها و عادات بنا شده‌اند، ایفا می‌کنند. دولت‌ها باید اندیشه، فرهنگ و خواست‌های آنان را دریابند و مورد حمایت قرار دهند و زمینه همکاری مشترک جهت تحقق توسعه مستمر را فراهم سازند. به نظر می‌رسد که این اصل، با به کار بردن عباراتی نظیر «مردم یک سرزمین»، «سازمان‌های وابسته به آن‌ها و یا سازمان‌های محلی»، «تعهد دولت‌ها در خصوص حمایت از اندیشه و فرهنگ‌شان»، نگاه خود را به جوامع بومی معطوف داشته است و بر ضرورت حمایت از مردمان محلی و اشکال این حمایت و نقش مؤثر و مشارکت مردمان بومی و سازمان‌های بومی در توسعه پایدار تأکید شده است. به بیان دیگر رویکرد کلی این بیانیه از یک سو مبتنی بر مشارکت گروه‌های عمده و اثرگذار شامل زنان، مردمان بومی و جوامع محلی در توسعه پایدار و ارتباطات ویژه‌ای که میان محیط زیست و توسعه در رابطه دارد، می‌باشد (رمضانی قوام آبادی ۱۳۹۳، ۱۲۶). اعلامیه ریو ۱۹۹۲ با طرح «یکپارچگی سیاسی و یکپارچگی حکمرانی» و «یکپارچگی عمودی و افقی» به‌عنوان یک رویکرد عمل‌گرا، به ارائه‌ی پاسخ و راه‌حلی در این خصوص پرداخت. این پاسخ در سال ۲۰۰۲ توسط سازمان ملل، زمانی که «از دولت‌ها خواست به ترویج رویکردهای یکپارچه برای تصمیم‌گیری در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی پردازند» مورد توجه مجدد قرار گرفت.^۱

۲-۳- ژوهانسبورگ

چنانچه در مقدمه این بیانیه تصریح گردیده است، این سند در راستای اجرای اهداف دستور کار ۲۱ کنفرانس جهانی توسعه پایدار و با محوریت توسعه پایدار در ژوهانسبورگ به تصویب رسیده است. طی برنامه اجرایی ژوهانسبورگ توسعه پایدار از برخی کشورهای کوچک جزیره‌ای در حال توسعه خواسته شده است تا پاره‌ای از برنامه‌های توسعه پایدار را مورد ارزیابی قرار دهند.^۲ این بیانیه به‌طور خاص به موضوع تهدیدهای جهانی علیه توسعه پایدار می‌پردازد و با ذکر نمونه‌هایی این تهدیدها را

¹Metropolis, Integrated Urban Governance > The way forward. Commission 3, Manual World Association of the major Metropolises, Berlin, 2011.

^۲ برای مطالعه بیشتر در این خصوص مراجعه شود به:

http://www.un.org/esa/sustdev/documents/WSSD_POI_PD/English/WSSD_planImpl.pdf.



شامل گرسنگی، اشغال خارجی، مخاصمات مسلحانه جرائم سازمان یافته، قاچاق سلاح و انسان تروریسم، اعمال نفرت برانگیزانه تبعیض نژادی، فساد، بیماری های مزمن مانند اچ ای وی ایدز و مالاریا بلایای طبیعی و غیره می داند.^۱

در فصلی تحت عنوان «چالش های پیش روی ما»^۲ به موضوعاتی از قبیل مبارزه با فقر، حفاظت و مدیریت منابع طبیعی، جهانی سازی، سرمایه گذاری و تجارت و اثرات مخرب آن ها و توزیع نابرابر منافع و هزینه ها تاکید گردیده است. براساس مفاد ذکر شده در این بیانیه، دستیابی به توسعه پایدار، اجتناب از حدوث هر یک از چالش ها و تهدیدهاست و راه رسیدن به آن در گرو همکاری و مشارکت گروه های عمده و اثرگذار از جمله بومیان و جوامع محلی است. مصداق این ادعا بند ۲۵ بیانیه است که بر نقش حیاتی و اساسی بومیان و جوامع محلی در توسعه پایدار تصریح نموده و در بند ۲۶ بر مشارکت فراگیر، وسیع و بلندمدت در سیاست گذاری و اجرا برای توسعه پایدار و مشارکت مداوم و با ثبات با همه گروه های عمده با احترام به نقش های مهم و مستقل هر یک صحنه گذارده شده است. قابل استنتاج است که مفاد اصل ۱۰ اعلامیه ریو ۱۹۹۲ در مورد اصل مشارکت و ضرورت رعایت آن برای توسعه پایدار به جهت اهمیت خود بار دیگر در این بیانیه تکرار شده و مورد توجه قرار گرفته است چرا که مشارکت در روند تصمیم سازی و تصمیم گیری در مورد برنامه و سیاست های ناظر بر توسعه پایدار و اجرای آن ها جز با اهتمام گروه های عمده مانند زنان و سازمان های مردم نهاد و بومیان و جوامع محلی میسر نیست (رمضانی قوام آبادی ۱۳۹۳، ۱۲۷).

۲-۴- پیش طرح سومین میثاق بین المللی حقوق بشر ۱۹۸۲

در دهمین سالگرد تصویب اعلامیه استکهلم، پیش نویس میثاق حقوق همبستگی سازمان ملل متحد، در خصوص حق بر محیط زیست، تحولی شگرف آفرید. این پیش نویس، حق بر محیط زیست را که تا پیش از آن به عنوان یک حق غیر مستقل از دیگر حقوق بشری تلقی شده بود، به عنوان حق مستقل بشریت پیش بینی نمود (گروه صلح کرسی حقوق بشر ۱۳۸۹، ۵). مواد ۱۴ و ۱۵ پیش نویس مذکور به تشریح حق بر محیط زیست اختصاص یافته است. در ماده ۱۴ چنین آمده است: «هر انسان [به صورت فردی] و کلیه انسان ها به طور جمعی حق دارند از محیط زیست سالم و دارای تعادل زیست بومی و مناسب برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی بهره مند شوند». مواد ۱۶ تا ۱۹ فصل سوم مذکور مقرر می دارند: «دولت های عضو متعهد می شوند برای منع اشخاص حقوقی از وارد آمدن صدمه شدید به شرایط طبیعی حیات و به طور کلی، استفاده از اموال با رعایت حقوق هر فرد و کلیه افراد برای دانش محیط زیستی سالم و دارای تعادل زیست بومی تدابیر مقتضی را اتخاذ نمایند».^۳

۱ بند ۱۹ بیانیه ژوهانسبورگ

۲ بندهای ۱۵-۱۱ بیانیه ژوهانسبورگ

۳ ماده ۱۶ پیش نویس میثاق حقوق همبستگی.



هر فردی حق دارد که بدون محدودیت غیرمنطقی، راساً و یا از طریق نمایندگی که آزادانه انتخاب می‌کند، و به‌ویژه از طریق انجمن‌هایی که آزادانه تشکیل می‌شوند، در تعیین راهبرد و تدابیر ملی مربوط به محیط زیست مشارکت کند و قبل از انجام اقداماتی که قابلیت ایجاد صدمه به شرایط طبیعی حیات را دارند، از طرف مقامات محلی مورد مشورت قرار گیرد.^۱

هر فردی که حق او بر داشتن محیط زیست سالم و دارای تعادل زیست‌بومی مورد تجاوز قرار گیرد یا تهدیدی واقعی مبنی بر چنین تجاوزی وجود داشته باشد، حق دارد به‌طور موثر به مرجع ملی صالحه شکایت نماید حتی اگرچه عامل تجاوز یا تهدیدی به تجاوز، شخصی باشد که در حال انجام وظایف قانونی خویش باشد.^۲

فردی که حق وی بر داشتن محیط زیست سالم و دارای تعادل زیست‌بومی، برخلاف مقررات مواد ۱۴ تا ۱۸، مورد تجاوز قرار گیرد، حق دارد درخواست جبران خسارت نماید.^۳

از اطلاق عباراتی همچون هر شخص، هر انسان و هیچ‌کس روشن است که تمرکز اسناد نظام حقوق بشر بر انسان به ماهو انسان و فارغ از انواع دسته‌بندی‌ها و تفاوت‌ها مدنظر است و متعهدان به ادای این حقوق نیز دولت‌ها می‌باشند (صلح‌چی و درگاهی ۱۳۹۲، ۹۲). ساز و کارهایی که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر پیش‌بینی شده امکان حمایت از همه اشخاص را به طور کلی فراهم می‌سازد به‌نحوی که اشخاص به مدد آن و با مراجعه به مراجع قانونی و صلاحیت‌دار شخصا امکان طرح شکایت از ناقضان حقوق خود را خواهند داشت. به این ترتیب جوامع محلی و مردمان بومی نیز با بهره‌برداری از سازوکارها و حقوق پیش‌بینی‌شده در این نظام کلان حقوق بشری قادر به اعمال و احیاء حقوق تزییع شده خود می‌باشند بی‌آن‌که تمایزهای فرهنگی و ظواهر و ویژگی‌های بومی مانعی برای برخورداری از حقوق انسانی‌شان باشد. بومیان به‌عنوان یکی از مشمولین این دسته‌بندی‌های حقوقی از تمامی حقوق و آزادی‌های پیش‌گفته برخوردارند گرچه عملاً با چالش‌های جدی مواجه‌اند و با وضعیت ایده‌آل فاصله‌ای قابل توجه دارند (مظفریان ۱۳۹۹، ۴۳). یازدهمین هدف از ۱۷ هدف جدید اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد برای بعد از ۲۰۱۵ نیز، بر شهرها و جوامع پایدار تمرکز کرده و همچنین بر اهمیت هماهنگ کردن ابعاد پایداری در سطح شهر تاکید می‌کند (Mapar 2017, 271). در گزارش «آینده مشترک ما»،^۴ در اوایل ۱۹۸۷ خصوصیت مشخص نهادهای سیاسی و مدیریت عمومی از قبیل «خودمختار، تکه‌تکه بودن و اختیارات نسبتاً محدود» را یک مانع مهم برای «فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی پایدارتر» معرفی کرد.

۲-۵- کنوانسیون آرهوس

۱ ماده ۱۷ همان.

۲ ماده ۱۸ همان.

۳ ماده ۱۹ همان.

³Fragmentation



کنوانسیون آرهوس^۱ به صراحت حق‌های رویه‌ای زیست‌محیطی را مورد شناسایی قرار داده و تعهداتی را نیز بر شمرده است. ماده نخست کنوانسیون مقرر می‌دارد: «به‌منظور مشارکت در امر حمایت از حق بر زندگی در یک محیط زیست مناسب با سلامتی و رفاه هر فرد حاضر و نسل‌های آتی، هر یک از طرفین می‌باید حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی به عدالت در موضوعات زیست‌محیطی را مطابق با مقررات این کنوانسیون تضمین نمایند». این کنوانسیون با تأکید بر این‌که «شهروندان باید به اطلاعات زیست‌محیطی به‌منظور دفاع از حق بر زندگی در یک محیط زیست مطابق با سلامتی و رفاه خویش را داشته باشند.» شناسایی صریح حق بر محیط زیست سالم در کنوانسیون آرهاس، دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی به عدالت را به وضوح نشان می‌دهد.

۲-۶- دستور کار ۲۱

دستور کار ۲۱ به عنوان سند سیاست‌های کلی در مورد محیط زیست و توسعه در جریان کنفرانس ملل متحد تدوین و متن نهایی آن در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برزیل به تصویب رسیده است. اهمیت این سند به لحاظ ارائه‌ی یک الگوی مورد تفاهم بین المللی و طراحی جدید برای توسعه خردمندانه در قرن بیست و یکم است، در عین حال این سند با تأکید بر اجرای اسناد پیش از تصویب خود زمینه ساز تصویب اسناد دیگر زیست‌محیطی نیز بوده است (دبیری ۱۳۹۱، ۸۸). در این سند موضوعات گسترده‌ای پیش‌بینی شده است که از جمله می‌توان به اصل احتیاط اشاره کرد که هدفش پیش‌گیری از صدمات زیست‌محیطی است. فصل بیست و سوم این دستور کار به تقویت نقش گروه‌های عمده اختصاص یافته است و بر تعهد و مشارکت جدی همه‌ی گروه‌های اجتماعی در تحقق اهداف، سیاست‌ها و سازوکارها تأکید دارد. این گروه‌ها یا بازیگران شامل زنان، جوانان، افراد بومی، جمعیت‌های محلی، سندیکاها، کشاورزان، دانشمندان و سازمان‌های غیر دولتی می‌باشند.

۱ کنوانسیون دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی به عدالت در موضوعات زیست‌محیطی (معروف به کنوانسیون آرهاس) است که در سال ۱۹۹۸ در شهر آرهاس دانمارک تصویب گردید. اعضای این کنوانسیون غالباً از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و آسیای مرکزی و منطقه قفقاز هستند. هرچند این کنوانسیون در سطح اروپا و در چارچوب آیین‌ها و تشریفات سیاسی همکاری‌های زیست‌محیطی در سطح اروپا، که شامل همه جمهوری‌های شوروری سابق در اروپا و آسیا نظیر ایالات متحده و کانادا می‌شود، مطرح گردید هرچند این کنوانسیون فقط محدود به حقوق رویه‌ای بوده و محدود به منطقه اروپا می‌شود لیکن تأثیر این کنوانسیون بسیار گسترده و مربوط به همه قاره‌ها می‌شود. این کنوانسیون برای الحاق کلیه کشورهایی که خارج از کمیسیون اقتصادی اروپای سازمان ملل متحد می‌باشند نیز، باز می‌باشد. همچنین این کنوانسیون بر دستور کار بحث‌های سایر مناطق و موضوعات محیط زیست بین‌المللی تأثیر گذاشته است. کنوانسیون آرهاس ابزار حقوق محیط زیست محسوب شده و کمیته ناظر آن می‌تواند گزارشاتی را از عموم دریافت نموده و آن‌ها را در لیست مکانیسم‌های نظارت بر اجرای حقوق بشر قرار دهد. «مارک پالمرتز» این ابزار بسیار مهم را تحت عنوان «رویه‌ای کردن حقوق بشر» Proceduralization of environmental rights توصیف نموده است. برای اطلاع بیشتر در خصوص اهمیت این کنوانسیون در شناسایی حقوق رویه‌ای محیط زیست ر.ک: پالمرتز، مارک، «آیین‌مند نمودن حقوق محیط زیست؛ بررسی کنوانسیون آرهوس» ترجمه علی مشهدی، مجله حقوقی داور، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲، صص ۳۴۴-۳۳۱.

¹UNDESA, Agenda 21, section 2, Chapter 17, Section 17.22, available at: <http://www.un.org/esa/dsd/agenda21/index.shtml>.



در فصل ۲۶ این سند، مشخصاً به موضوع مردمان محلی تصریح شده است. فرازهای مختلف این فصل بر برخورداری کامل از حقوق انسانی برای بومیان محلی، مشارکت در توسعه پایدار و ضرورت حفظ و حمایت از میراث‌شان و نقش دولت و سازمان‌ها در حمایت از آن‌ها؛ مبتنی است. در انتها نیز تاکید دارد که مردمان بومی و محلی می‌توانند موضوعات زیادی را در باره توسعه پایدار به جهان صنعتی بیاموزند بنابراین باید در سطح جهانی در این امر شرکت داده شوند و نقطه آغازین این اقدام باید با اتخاذ اقدامات مربوط به حمایت از حق آن‌ها و حفظ میراث‌شان همراه باشد.

نتیجه‌گیری

حق داشتن محیط زیست سالم به عنوان یک حق اساسی و بنیادی، به طور فزاینده‌ای در مجموعه حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به افزایش روزافزون جمعیت و محدودیت منابع طبیعی موجود، حفاظت از محیط زیست به یکی از مهم‌ترین چالش‌های جوامع بشری تبدیل شده است. ورود حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر، نشان‌دهنده توسعه و پویایی حقوق بشر در نظام‌های حقوقی مختلف است. در نوشتار حاضر به این نتیجه رسیدیم که در بین مقوله‌های حقوق بشری، پیش فرض تحقق و عینیت یافتن تمام حق‌های بشری این است که محیط زندگی بشر و عناصر زیست محیطی برای بقای این موجودات خردمندانه وجود داشته باشد؛ چراکه در محیط زیست نامساعد، حق‌ها و اعتبارها کارآمدی خود را از دست می‌دهند. حق بر محیط زیست سالم شامل مفاهیمی نظیر حقوق نسل‌های کنونی و آینده، میراث مشترک بشریت، توسعه پایدار و حق مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی و عدالت زیست‌محیطی است. امروزه آگاهی جامعه نسبت به رابطه انسان با محیط زیست بیشتر شده و آلودگی و تخریب محیط می‌تواند تهدید جدی برای حیات انسان باشد. وابستگی انسان به کیفیت محیط زیست امری بدیهی است و به همین دلیل، محیط زیست به عنوان یکی از ابعاد حقوق بشر شناخته می‌شود. بدون شک، برخورداری از محیط زیست سالم حق مسلم بشریت است، حقی که نه تنها مرزهای جغرافیایی را درنوردیده بلکه به نسل‌های آینده نیز مربوط می‌شود. این حق نیازمند اقداماتی از سوی دولت‌ها برای تأمین و تحقق آن است، چه به عنوان یک حق بنیادین مستقل و چه به عنوان بخشی از حقوق بنیادین بشر.

در حال حاضر، تخریب محیط زیست به یک بحران جهانی تبدیل شده که هر روز بر شدت آن افزوده می‌شود. به همین دلیل، حفاظت از محیط زیست به یک ارزش اخلاقی تبدیل شده و حمایت از آن امری ضروری است. بنابراین، داشتن یک محیط زیست سالم برای هر فرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از سوی دیگر، دستیابی به توسعه پایدار نیز نیازمند وجود محیط زیستی سالم با منابع کافی است. هدف توسعه پایدار، ایجاد تعادل میان جنبه‌های مختلف توسعه و حفاظت از محیط زیست است. با توجه به اینکه توسعه پایدار شامل اصول اساسی است که یکی از آن‌ها احترام به حق داشتن محیط زیست سالم می‌باشد، به نظر می‌رسد که این دو هدف در واقع یکسان هستند. این اهداف به سمت تضمین و تثبیت حق توسعه و حفظ محیط زیست برای نسل حاضر و همچنین رعایت حقوق و نیازهای نسل‌های آینده حرکت می‌کنند. این روند منجر به ظهور مفهوم جدیدی در حقوق بین‌الملل



محیط زیست به نام «حق نسل‌های آینده» شده است. در همین راستا، کنوانسیون آرهوس به روش ویژه و گسترده‌ای همه‌ی مردم را شایسته‌ی برخورداری از حقوقی نظیر دسترسی به اطلاعات و مشارکت همگانی می‌داند از این رو در ماده ۱ خود از اعضا خواسته که دسترسی به اطلاعات، مشارکت همگانی در تصمیم‌گیری و دسترسی به عدالت در موضوعات زیست محیطی را در جهت حفاظت از حقوق هر فرد (از جمله جوامع محلی) تضمین کنند تا امکان زیستنی درخور، سالم و مناسب برای همگان فراهم گردد. از اصول و سازوکارهای دیگر مدرن برای تضمین حمایت از حقوق بومیان محلی تقویت مشورت و مشارکت آنان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است و اثرگذاری سازمان‌های مردم‌نهاد در این خصوص مبرهن است. به دیگر سخن سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان نهاد پشتیبان مردمان بومی نقشی برجسته برای استیفای حقوق مردمان محلی از جمله تحقق دسترسی به عدالت زیست محیطی و تقویت مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری دارند. اعلامیه ریو ضمن تصریح به اصل مشارکت و الزامات آن تأکید می‌کند که حل و فصل مسائل زیست محیطی منوط به همراهی و مشارکت همه شهروندان در سطحی مناسب می‌باشد و بر ضرورت دسترسی به اطلاعات از جمله اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرآفرین صحنه‌گذارده است. باتوجه به آنچه گفته شد، بی‌تردید، محیط زیست اساس حیات فردی و اجتماعی انسان‌هاست و باید توجه داشت که برای داشتن یک محیط زیست سالم، که حق همه انسان‌ها و موجودات زنده است، مشارکت تمامی افراد در حفاظت از آن ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. در زمینه حقوق، به‌ویژه حقوق موضوعه، محیط زیست به‌عنوان زمینه‌ای شناخته می‌شود که تمامی رفتارهای انسانی و حقوق و تعهدات مرتبط با آن تنها در این بستر قابل تحقق است. بنابراین، آنچه در حوزه حقوق محیط زیست اهمیت دارد، تغییر «انسان فاتح زمین» به «شهروند زیستی» است؛ به گونه‌ای که علاوه بر بیان «حقوق» انسان، «تکالیف» او در قبال محیط زیست و حفاظت از آن نیز مورد تأکید قرار گیرد. یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های برخورداری از حق بر محیط زیست، مسئولیت و تعهد ما در حفاظت و مراقبت از آن و تعامل با محیط زیست است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که حقوق عمومی داخلی، برخلاف نظریه‌های بین‌المللی درباره حق بر محیط زیست، به سمت شناسایی این حق به‌عنوان یک حق شهروندی پیش رفته است. متأسفانه، وضعیت حق بر محیط زیست در تحولات حقوقی چندان مطلوب نیست. در حال حاضر، شهروندان در زندگی روزمره خود نیاز به هوای پاک، آب سالم، محیطی آرام و عاری از آلودگی و همچنین ایمن در برابر آثار منفی برخی فناوری‌های به‌ظاهر مفید را احساس می‌کنند. آیا زمان آن نرسیده که بیشتر به شیوه زندگی، تغذیه، بهداشت و تعهدات حقوقی و اخلاقی خود نسبت به محیط اطراف و دیگران فکر کنیم؟



فهرست منابع؛

کتاب

- ۱- پورهاشمی، سید عباس و بهاره ارغند، حقوق بین‌الملل محیط زیست، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۲.
- ۲- جلالی، محمد و یآوری، اسدالله؛ درآمدی بر حقوق اساسی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۹.
- ۳- چالاما، شانکاریا و پیتر موریس. ۱۳۸۳. مشارکت برای نجات زمین. مترجمان: سید احمد خاتون آبادی و غلامرضا نادری. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- شیلتون، دینا و الکساندر کیس، کتابچه قضایی حقوق محیط زیست، ترجمه محسن عبداللهی، چاپ دوم، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶.
- ۵- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۴)، جلد سوم، چاپ اول، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- ۶- فلاح زاده، علی محمد. ۱۳۹۴. حقوق اداری تطبیقی؛ عدالت رویه‌ای. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ۷- فیروزی، مهدی، حق بر محیط زیست، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، بی‌چا، ۱۳۸۴.
- ۸- گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، حقوق زیست محیطی بشر، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۹.
- ۹- لواسانی، احمد. ۱۳۷۲. کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در ریو. چاپ اول. انتشارات اداره نشر وزارت امور خارجه.
- ۱۰- مرادی، مهرداد. ۱۳۹۴. آینده حقوق بین‌الملل محیط زیست. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش. تهران.
- ۱۱- مشهدی، علی، حق بر محیط زیست سالم، الگوی ایرانی، فرانسوی؛ نشر میزان، ۱۳۹۲.
- ۱۲- موسوی، سید فضل الله. ۱۳۸۵. سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست. تهران: انتشارات میزان.
- ۱۳- هاشمی، سید محمد. ۱۳۷۷. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر دادگستر.
- ۱۴- هداوند، مهدی و علی مشهدی، اصول حقوق اداری در پرتو آراء دیوان عدالت اداری، چاپ دوم، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۱.

مقالات

- ۱- احمدی تنکبانی، مهدی و شیخ‌الاسلامی کندلوسی، نادر و احمدی، مسعود، «تحلیل محتوای کیفی عوامل موثر بر خط‌مشی‌گذاری عمومی در حوزه محیط‌زیست»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و نهم، شماره یکصد و یازدهم، پاییز ۱۴۰۱.
- ۲- افتخار جهرمی، گودرز، «حق بر محیط‌زیست با تاکید بر حق دسترسی بر اطلاعات زیست‌محیطی»، تهران، نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، ۱۳۸۲.
- ۳- بلیک، الیزابت و فرهاد جم. ۱۳۸۸. دموکراسی زیست محیطی برای حفاظت از محیط زیست در حقوق بین‌الملل. مجله راهبرد. شماره ۵۰. سال هجدهم.
- ۴- پارسا، علیرضا، «محیط زیست و حقوق بشر»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره، ۱۳۷۷.
- ۵- جم، فرهاد، «دسترسی به عدالت زیست محیطی: کاوشی در نظریه سمت و طرح دعوی منفعت عمومی در ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه حقوق اساسی، سال هفتم، شماره ۹، تابستان ۱۳۸۷.
- ۶- حبیبی، محمد حسن، «بررسی حق آگاهی مردم به عنوان یک حق اساسی»، حقوق اساسی، سال اول، شماره اول، ص ۶۵/ ۸۲ و ۸۳، ۱۳۸۲.
- ۷- حبیبی، محمد حسن، «حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۰، تابستان ۸۲.
- ۸- دبیری، فرهاد و [دیگران] ۱۳۹۱. تحلیلی بر نقش محور دوم دستور کار ۲۱ در توسعه حقوق محیط زیست در ایران. علوم و تکنولوژی محیط زیست دوره چهاردهم. شماره ۵۴.
- ۹- رضایی، مهدی و محمد مهدی رضوانی فر. ۱۳۹۸. سیاست‌گذاری عمومی و مساله حق بر محیط زیست سالم در نظام حقوقی ایران. فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی). سال هفتم. شماره ۲۰.
- ۱۰- رمضان‌قوام آبادی، محمدحسین. ۱۳۹۳. اقتصاد سبز: گامی به سوی تحقق توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل محیط زیست. دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی. سال بیست و یکم. شماره ۶.
- ۱۱- رمضان‌قوام آبادی، محمدحسین، شفیق فرد، حسن، «توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم: چشم‌انداز نسل‌های آینده»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵.
- ۱۲- رمضان‌قوام آبادی، محمدحسین و جوادمنش، جواد، «مطالعه تطبیقی گسترده مفهوم ذی‌نفع در اقامه‌ی دعوی زیست محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۴، ۱۳۹۵.



- ۱۳- صلح‌چی، محمدعلی و رامین درگاهی. ۱۳۹۲. بررسی ماهیت حقوق همبستگی: حقوق جمعی یا مردمی. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی. شماره ۴۱.
- ۱۴- فریادی، مسعود. ۱۳۹۵. مبنای اکولوژیک اصل عمومی بودن وظیفه حفاظت محیط زیست. فصلنامه تحقیقات حقوقی. شماره ۷۸.
- ۱۵- کوشکی، غلامحسین، «سازمان‌های غیردولتی از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوی عمومی (با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری)»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۴، ۱۳۹۲.
- ۱۶- ناصری، هادی، «نقش شهروندان در حفاظت از محیط زیست»، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۰۶۷، ۱۳۹۲.
- ۱۷- ویژه، محمدرضا، «حق دسترسی به اطلاعات محیط‌زیست: بررسی حقوق بشر اروپایی»، مجله محیط‌شناسی، سال سی و دوم، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۸۵.

پایان نامه‌ها

- ۱- سیاح پور، محمدجواد. (۱۳۹۸). حفظ محیط‌زیست در پرتو جایگاه جوامع محلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پردیس فارابی دانشگاه تهران.
- ۲- مظفریان، یلدا، «تعامل حقوق بشر و حقوق محیط زیست در حمایت از حقوق مردمان بومی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شهریور ۱۳۹۹.

1. Harrison K.; "Talking with the Donkey: Cooperative Approaches to Environmental Protection", Industrial Ecology Journal of, (1998), Vol. 2, No. 3, PP. 52-53.
2. Mapar Mahsa et al 'Sustainability indicators for municipalities of megacities: Integrating health, safety and environmental performance 'Ecological Indicators 83 (2017).271-291.